

تاریخ آغازین

درس
چهارم

مسیر درست



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: تاریخ آغازین (درس شماره ۴: مسیر درست)

مدرس: ریچارد پرت

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدسی) گرفته شده است.

ii.

جهت دریافت سایر دروس و راهنمای مطالعه به بخش فارسی خدمات مسیحی هزاره سوم مراجعه کنید:

farsi.thirdmill.org

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) ساختار ادبی

سیل رهایی

عهد آغازین
عهد پایدار
گریز از آب
خروج به زمین خشک
یادآوری الهی

نظم نوین

پسران نوح
شکست بابل

(۳) معنای اصلی

توفان رهایی بخش

روابط
مفاهیم ضمنی

پسران نوح

کنعان
ناسازگاری
مفاهیم ضمنی

شکست بابل

شهر
پیروزی
مفاهیم ضمنی

(۴) کاربرد امروزی

تاسیس

عهد

پیروزی

تداوم

تعمید

جنگ روحانی

تکمیل

خشونت نهایی

نبرد نهایی

(۵) نتیجه‌گیری

مسیر درست

مقدمه

زمانی را به یاد دارم که در اوکراین مشغول کار تدریس بودم و از طریق مترو، فقط چند دقیقه با مقصد فاصله داشتم. یک روز با عجله به ایستگاه رفتم، از پله‌ها پایین دویدم و در لحظه‌ای که درها بسته می‌شد به داخل واگن پریدم. باید به آن طرف شهر می‌رفتم، پس نشستم تا چند دقیقه آرام بگیرم و نفسم سر جا بیاید. بعد از مدت کمی، ناگهان متوجه شدم که سوار قطار اشتباه شده‌ام و به مسیر دیگری می‌روم! طبیعتاً ایستگاه بعدی کیلومترها فاصله داشت و مدت زیادی طول کشید تا به آنجا رسیدم. وقتی سوار قطار درست شدم و به عقب برگشتم، روشن بود که دیگر خیلی دیر می‌رسم. خوب به یاد دارم که با خودم می‌گفتم: «خوب، ای کاش اینطور نمی‌شد، ولی حداقل حالا مسیرم درسته.»

به نظرم این موضوع در اکثر زمینه‌های زندگی اتفاق می‌افتد. شرایط ما هرگز کامل و بی‌نقص نیست و اغلب اوقات فاصله دوری از کمال مطلوب دارد. هرچایی که می‌رویم، با مشکلات و چالش‌های زیادی روبرو می‌شویم. اما همگی می‌دانیم دست‌کم قرارگیری در مسیر درست بهتر از افتادن در مسیر اشتباه است.

این درس را «مسیر درست» نامیده‌ایم و در آن به بررسی پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹ و مسیری خواهیم پرداخت که خدا بعد از سیل بزرگ زمان نوح برای قوم خود تعیین کرد. همانطور که خواهیم دید، در این باب‌ها از تاریخ آغازین جهان، موسی مسیر روشنی را به قوم اسرائیل ارائه داد تا دنبال کنند. شاید این همه آن چیزی نبود که می‌خواستند، اما خدا آن را تعیین کرد تا به این وسیله به برکات بزرگی برسند. این بخش از تاریخ آغازین برای مسیحیان نیز بسیار اهمیت دارد، چون ما هم باید در همین مسیر پیش برویم.

مطالعه پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹ را به سه بخش تقسیم کرده‌ایم: اول ساختار ادبی این باب‌ها را بررسی خواهیم کرد. دوم، به کاوشی در معنای اصلی آنها با تشخیص منظور موسی از نگارش این مطالب برای اسرائیل خواهیم پرداخت. و سوم، خواهیم دید که عهد جدید چگونه ما را در کاربرد این باب‌ها در زندگی‌مان راهنمایی می‌کند. بیایید مطالعه‌مان درباره مسیر درست را با بررسی ساختار ادبی این باب‌ها شروع کنیم.

ساختار ادبی

پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹ شامل بخش عمده‌ای از تاریخ آغازین می‌شود و می‌توان به روش‌های مختلفی آن را عنوان‌بندی کرد. در جهت اهداف درس‌مان، این باب‌ها را به دو بخش اصلی تقسیم کرده‌ایم. بخش اول شامل ۶: ۹-۹: ۱۷ است که آن را «سیل‌رهایی» نامیده‌ایم. در این بخش از پیدایش، موسی سیل روزگار نوح را توصیف کرده

است. بخش دوم پیدایش ۹: ۱۸-۱۱: ۹ است که آن را «نظم نوین» نام داده‌ایم. این بخش وقایع مهم زیادی را شرح می‌دهد که الگوهای ماندگار و شاخص جهان پس از سیل را تشکیل دادند. برای درک بهتر الگوی ادبی این باب‌ها، هر دو بخش را بررسی خواهیم کرد. بیایید ابتدا به واریسی ساختار داستانی بپردازیم که موسی دربارهٔ سیل روزگار نوح نوشت.

سیلِ رهایی

در سالیان اخیر تعدادی از مفسرین متوجه شده‌اند که داستان سیل نوح نشانگر یک الگوی ادبی نسبتاً روشن است. هر چند می‌توان این الگو را به روش‌های مختلف توضیح داد، ما در درس حاضر به این نکته اشاره خواهیم کرد که چگونه این باب‌ها یک نمایش متقارن پنج مرحله‌ای را تشکیل می‌دهند.

عهد آغازین

اولین مرحلهٔ این روایت در پیدایش ۶: ۹-۲۲ ظاهر می‌شود، و آن را «عهد آغازین الاهی» با نوح خواهیم خواند. موسی در این بخش از روایت اشاره می‌کند که نوح در جهانی فاسد، مردی عادل و درستکار بود. خدا با نوح سخن گفت و برای او آشکار کرد که چرا در نظر دارد نسل بشر را از بین ببرد. در پیدایش ۶: ۱۳ اینطور می‌خوانیم:

خدا به نوح فرمود: «تصمیم گرفته‌ام بشر را از بین ببرم. چون ظلم و فساد آنها دنیا را پر کرده است. بنابراین من ایشان را همراه با زمین نابود خواهم کرد» (پیدایش ۶: ۱۳، مژده).

اما اولین مرحلهٔ این روایت همچنین به ما می‌گوید که خدا در نظر داشت با رهایی یک مرد و خانواده‌اش، یعنی نوح عادل، دوباره از اول شروع کند. خدا برای اینکه نوح را از نیت خود مطمئن کند، وارد عهد آغازینی با نوح شد. در پیدایش ۶: ۱۷-۱۸ سخنانی را که خدا به نوح گفت، می‌خوانیم:

هر چه بر زمین است، خواهد مرد. لیکن عهد خود را با تو استوار خواهم ساخت، و به کشتی در خواهی آمد، تو و پسرانت و زنت و زنان پسرانت، همراه تو (پیدایش ۶: ۱۷-۱۸، هزاره).

خدا در شروع روایت سیل، در عهد خود سوگند خورد که نوح و خانواده‌اش را از سیل پیش رو، نجات می‌دهد. این عهد متضمن رهایی نوح بود و او را به عنوان رأس بشریتی جدید پس از سیل مقرر کرد.

پس از بررسی شروع داستان سیل و تمرکز بر عهد آغازین خدا با نوح، لازم است که به بخش آخر داستان، که با قسمت اول تعادل ایجاد می‌کند یعنی ۸: ۲۰-۹: ۱۷ پردازیم، که نام آن را «عهد پایدار الاهی» با نوح گذاشته‌ایم.

عهد پایدار

همانطور که از این عنوان بر می‌آید، در متن مزبور خدا پس از سیل، عهد دیگری با نوح بست. خدا تصمیم گرفت فرصت نظم نوینی در جهان را به بشریت ببخشد. همانطور که در پیدایش ۸: ۲۲ می‌خوانیم:

مادامی که جهان باقی است، زرع و حصاد، و سرما و گرما، و زمستان و تابستان، و روز و شب موقوف نخواهد شد (پیدایش ۸: ۲۲).

خدا در برقراری اطمینان از این دوران جدید، وارد عهد دومی با نوح در انتهای روایت سیل در پیدایش ۹: ۱۱-۱۵ شد:

من عهد خود را با شما استوار می‌گردانم که بار دیگر هرگز هر ذی‌جسد به آب توفان هلاک نشود، و دیگر هرگز توفانی نباشد که همه زمین را ویران کند... رنگین‌کمان خود را در ابر قرار داده‌ام، و آن نشان عهدی خواهد بود که میان من و زمین است. هرگاه ابرها را بر فراز زمین بگسترانم و رنگین‌کمان در ابرها پدیدار شود، آنگاه عهد خود را با شما و با هر جاندار ذی‌جسد به یاد خواهم آورد (پیدایش ۹: ۱۱-۱۵، هزاره).

پس می‌بینیم که داستان سیل نوح با سوگند به عهدی پایان می‌یابد که دیگر هرگز سیل آب زمین را از بین نمی‌برد و اینکه خدا رنگین‌کمان خود را به عنوان نشانه اطمینان از اینکه هرگز این سوگند را فراموش نخواهد کرد در ابرها قرار داد. این سوگند عهد پایانی، نشانگر اهمیت والای نوح در تاریخ اولیه جهان بود. او واسطه یک عهد بود، عهدی که تا همه نسل‌های آینده ادامه یافت.

با در نظر داشتن بخش‌های اول و آخر این داستان، اکنون می‌توانیم به بخش‌های میانی روایت سیل پردازیم. از عهد آغازین خدا تا نظم جدید عهد پایانی را می‌توان به سه مرحله اصلی تقسیم‌بندی کرد.

گریز از آب

مرحله دوم این روایت در ۷: ۱-۱۶ قرار دارد که آن را «گریز از آب» نوح نامگذاری کرده‌ایم. این مطلب نسبتاً صریح و روشن تعریف شده است. نوح کشتی را آماده کرد و حیوانات از همه نوع را به داخل آن برد، و آب‌های سیل آسا جهان را در خود گرفت. اما نوح، خانواده‌اش و حیواناتی که جمع کرده بود همگی در کشتی محفوظ ماندند.

خروج به زمین خشک

بخش چهارم داستان سیل نوح در تقابل با مرحله دوم آن است. در این بخش، نوح در پیدایش ۸: ۶-۱۹ پا بر زمین خشک می‌گذارد. پس از فروکش آب، نوح آرزو داشت تا زمین خشک آشکار شود و بتواند از کشتی بیرون برود. پس از دوره انتظار، تکه‌های خشک زمین آشکار شدند و خدا به نوح فرمود تا از کشتی خارج شود، درست همانطور که قبلاً دستور ورود به آن را داده بود.

یادآوری الهی

اکنون می‌توانیم به مرکز داستان یا نقطه عطف آن در پیدایش ۷: ۱۷-۸: ۵ توجه کنیم که نام آن را «یادآوری الهی» از نوح گذاشته‌ایم. این آیات با توصیفی از خروش سیل و نابودی هر موجود زنده بر روی زمین شروع می‌شود. اما در انتهای این بخش، سیل فروکش کرده است. در قلب این بخش یک جمله ساده اما عمیق قرار دارد که نشان می‌دهد چرا خدا سیل پرخروش را آرام کرد. موسی در پیدایش ۸: ۱ نوشت که در میانه سیل:

خدا نوح و همه حیوانات و همه بهایمی را که با وی در کشتی بودند، به یاد آورد. و خدا بادی بر زمین وزانید و آب ساکن گردید (پیدایش ۸: ۱).

خدا از سر رحمت عظیم خود عهدی را که با نوح و همراهانش بسته بود، فراموش نکرد. او سرنشینان کشتی را به یاد آورد و در برابر سیل خروشان دست به کار شد.

این خلاصه از سیل نوح، موضوعات اصلی داستان را روشن می‌کند. موسی داستان سیل را به عنوان یک داستان رهایی نوشت. هرچند شروران زمین محکوم شدند، اما دغدغه اصلی موسی این بود که نشان دهد خدا از طریق نوح، بشریت را وارد جهانی سرشار از برکات عظیم کرد.

پس از بررسی بخش اول پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹، لازم است که به بخش اصلی دوم یعنی نظم جدید در پیدایش ۹: ۱۱-۱۸: ۹ بپردازیم.

نظم نوین

روایت موسی از نظم نوین در باب‌های ۹-۱۱ پیدایش به دو واحد اصلی تقسیم می‌شود. از یک سو، پیدایش ۹: ۱۰-۱۸: ۳۲ بر پسران نوح تمرکز دارد. از سوی دیگر، پیدایش ۱۱: ۱-۹ مربوط به شکست شهر بابل است. هرچند این متون در ابتدا نامربوط به نظر می‌رسند، اما خواهیم دید که در واقع در کنار هم الگویی برای نظم نوین جهان را شکل می‌دهند. آنها ویژگی‌های اصلی تاریخ جهان را از آن زمان به بعد ارائه می‌کنند. بیایید ابتدا نگاهی به روایت مربوط به پسران نوح و سهم آن در تصویر نظم نوین جهان بیندازیم.

پسران نوح

روایت موسی از پسران نوح در باب‌های ۹-۱۰ پیدایش شامل یک عنوان و دو بخش اصلی است. در آیات ۱۸ و ۱۹ باب ۹، عنوانی را می‌یابیم که نشان می‌دهد تمرکز اصلی این بخش از پیدایش بر سه پسر نوح و نحوه پراکندگی آنها در سرتاسر زمین است.

گزارش موسی از پسران نوح در رابطه با همین عنوان، به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در وهله اول، داستان در ۹: ۲۰-۲۹ تمایزات میان این پسران را شرح می‌دهد. و در وهله دوم، ۱۰: ۱-۳۲، پراکندگی پسران نوح و نسل آنان را توصیف می‌کند. خوب است که به‌طور جداگانه به این قسمت‌ها بپردازیم.

باب ۹: ۲۰-۲۹ شامل متن مشهور پیدایش درباره لعنت کنعان پسر حام است. به آنچه موسی در پیدایش ۹: ۲۴-۲۷ نوشت گوش کنید:

و نوح از مستی خود به هوش آمده، دریافت که پسر کهنترش با وی چه کرده بود. پس گفت: «کنعان ملعون باد!»... و گفت: «متبارک باد یهوه خدای سام!... خدا یافت را وسعت دهد» (پیدایش ۹: ۲۴-۲۷).

به عبارت ساده، این متن گزارش وقایعی است که منجر به تمایز عمده‌ای میان نسل‌های نوح شد. نوح کنعان، پسر حام را لعنت کرد. کنعان کمترین بنده برادرانش می‌شد. اما نوح پسران دیگرش یعنی سام و یافت را برکت داد چون با احترام با او رفتار کرده بودند.

موسی در توصیف خود از نظم نوین پس از سیل، این داستان را تعریف کرد چون پدر تمام نسل بشر، سه پسر نوح بودند. تمایزات میان آنها منجر به پویایی روابط انسانی شد که از آن زمان به بعد در تاریخ کتاب مقدس به وجود آمد.

این دیدگاه در مورد تمایزات موجود میان پسران نوح در باب ۱۰ با شرح پراکندگی پسران نوح در جهان هم تایید می‌شود. موسی در پیدایش باب ۱۰ با نگاهی به نسل‌های آینده نوح، فهرستی نمونه‌وار از محل سکونت نوادگان حام، سام و یافث را در سرتاسر جهان ارائه می‌کند. بر اساس پیدایش باب ۱۰، یافثی‌ها سرزمین‌های شمال، شمال شرق، و شمال غرب کنعان را اشغال کردند. حامی‌ها به جز چند استثنا، به سمت شمال آفریقا رفتند، و کنعان، پسر عزیز حام، در زمین کنعان، یعنی سرزمین وعده اسرائیل ساکن شد. قوم سام عمدتاً سرزمین‌های شبه جزیره عربستان را اشغال کردند.

گزارش پیدایش باب ۱۰ بسیار گزینشی است و صرفاً برای ارائه الگوهای کلی مهاجرت تنظیم شده است. اما برای موسی همین الگوهای کلی در ترسیم مشخصات الگوهای طولانی مدت تعامل انسانی در نظم نوین پس از سیل، کافی بودند.

پس از بررسی ساختار ادبی نوشته موسی درباره پسران نوح در باب‌های ۹-۱۰ پیدایش، آماده‌ایم تا نگاهی به بخش دوم از نظم نوین پس از سیل یعنی شکست شهر بابل در ۱۱: ۱-۹ بیندازیم.

شکست بابل

داستان برج بابل به پنج مرحله متقارن چشمگیر تقسیم می‌شود. اولین مرحله در آیات ۱ و ۲ با گرد هم آمدن اکثریت قاطع نسل بشر شروع می‌شود. اما در مقابل، این روایت با آیات ۸ و ۹ تمام می‌شود که در آن می‌بینیم خدا زبان انسان‌ها را مغشوش و آنان را در سرتاسر زمین پراکنده کرد. انسان‌ها دقیقاً چگونه از کنار هم بودن با یک زبان، پراکنده شدند و زبان‌های متفاوتی یافتند؟ بخش میانی داستان توضیح می‌دهد که چه اتفاقی افتاد.

مرحله دوم یعنی آیات ۳ و ۴ نقشه‌ای را که مردم داشتند، گزارش می‌دهد. آنها می‌خواستند شهری بسازند با یک برج بلند که سرش به آسمان برسد، شهرتی ماندگار بیابند و شکست‌ناپذیر شوند. با این وجود مرحله چهارم این روایت در آیات ۶ و ۷ این نقشه انسانی را با گزارش نقشه متقابل خدا در موازنه قرار می‌دهد. خدا لشکر آسمانی خود را خواند تا با مغشوش کردن زبان مردم شهر به آن حمله، و به این ترتیب ساختمان شهر و برج آن را متوقف کند.

نقطه عطف این داستان در آیه ۵ ظاهر می‌شود که در آن خدا به واریسی شهر و برج آن مشغول شد. او با دیدن شهر و نقشه‌های مغرورانه ساکنانش، تصمیم گرفت تا به موجودیت شهر بابل خاتمه دهد.

پس می‌بینیم که طبق گفته موسی، زندگی پس از سیل فاصله زیادی با فردوس برینی داشت که انتظار می‌رفت. برعکس، داستان پسران نوح نشان می‌دهد که نظم نوین شامل روابط بینابینی پیچیده‌ای میان گروه‌های مختلف بشر بود. همچنین سرپیچی بیشتر نسبت به خدا، و شکست مخالفین توسط خدا را در بر داشت. هرچند این ساختارهای نظم نوین شاید از دید امروزی ما عجیب به نظر می‌رسد، اما خواهیم دید که به سادگی با تجربه اسرائیلیانی که مخاطبین اولیه موسی بودند، هم‌خوانی داشتند.

حال پس از بررسی ساختار ادبی پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹، می‌توانیم سوال دوم را پرسیم: چرا موسی این روایت سیل و نظم نوین ناشی از آن را نوشت؟ او در حین رهبری اسرائیلیان به سوی سرزمین وعده، با این داستان‌ها چه درس‌هایی را به آنها تعلیم می‌داد؟

معنای اصلی

لازم به ذکر نیست که می‌توانیم مطمئن باشیم موسی درباره توفان نوح و دوره نظم نوین نوشت تا حقایق این دوره از تاریخ آغازین را به اطلاع اسرائیل برساند. اما گزارش او بسیار در جهت موضوعات خاص گزینش شده، و جهت‌دارتر از آن است که تصور کنیم فقط همین موارد را در ذهن داشته است. موسی فقط گزارشی از گذشته را نمی‌نوشت، بلکه می‌خواست اسرائیلیان روزگار خود را هم هدایت کند.

با نگاهی به سه بخش از پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹ از هدف موسی پرده‌برداری خواهیم کرد: اول، معنای اصلی روایت سیل را بررسی می‌کنیم، بعد به گزارش موسی از پسران نوح می‌پردازیم، و در نهایت مفاهیم ضمنی بخش آخر تاریخ آغازین، یعنی شکست بابل را مورد توجه قرار می‌دهیم. بیایید ابتدا به روش‌های موسی در مرتبط‌سازی توفان نوح و تجربه اسرائیل در روزگار خودش نگاهی بیندازیم.

توفان رهایی‌بخش

برای تشخیص موارد استفاده موسی از روایت سیل، به دو جنبه از این داستان نگاه خواهیم کرد: اول، روابطی را که او میان سیل و خروج اسرائیل برقرار کرد؛ و دوم، مفاهیم ضمنی این روابط برای اسرائیل. موسی روابط میان سیل و روزگار خودش را با تصویری از نوح برقرار کرد؛ به شکلی که شباهت زیادی به زندگی خودش و خدماتش داشت. مطمئناً زندگی نوح و موسی تفاوت‌های زیادی با هم داشتند و این تفاوت‌ها را نباید نادیده گرفت. اما روشن است که موسی عمداً نوح را برگزید تا خوانندگان اسرائیلی او نوح را به عنوان پیشرو یا بشارتی از موسی در نظر بگیرند.

روابط

دست کم هشت رابطه مهم میان نوح و موسی وجود دارد. در وهله اول، موسی در موضوع خشونت، یک خط ارتباطی میان خودش و نوح ترسیم کرد. از پیدایش ۶: ۳ به یاد دارید که توفان نوح به خاطر پر شدن جهان از خشونت اتفاق افتاد. همانطور که باب‌های ۱-۲ خروج به روشنی می‌گویند، مصریان پیش از خواندگی موسی، خشونت زیادی نسبت به قوم اسرائیل اعمال می‌کردند. رهایی ایشان از مصر توسط موسی در واکنش به خشونت بود که بر قوم اسرائیل اعمال می‌شد. پس کار نوح و موسی، رهانیدن از قید خشونت بود.

دومین همبستگی در استفاده موسی از اصطلاح «کشتی» دیده می‌شود. کلمه عبری «تواه» (tevah) در سرتاسر باب‌های ۶-۹ پیدایش برای کشتی نوح به کار رفته است. جالب است که تنها جای دیگری که موسی از اصطلاح «تواه» استفاده کرده، خروج ۲: ۳، ۵ است. او در آنجا به سببی اشاره می‌کرد که مادرش مانند یک کشتی، یا «تواه» او را در آن قرار داد. هرچند کشتی نوح عظیم، و کشتی موسی بسیار کوچک بود، اما موسی به این واقعیت اشاره می‌کرد که او و نوح هر دو از آب‌های مرگبار، توسط کشتی یا «تواه» رهایی یافتند.

در وهله سوم، اهمیت عهدهای الهی هم نوح را به عنوان پیشروی موسی به تصویر می‌کشید. همانطور که دیدیم، بر اساس پیدایش ۶: ۱۸ و ۹: ۱۱-۱۷، نوح به نمایندگی از تمامی بشریت با خدا وارد عهد شد. و البته، می‌دانیم که یکی از خدمات اصلی موسی برای اسرائیل آن بود که واسطه عهد الهی باشد. در باب‌های ۱۹-۲۴ خروج به خوبی تشریح شده که موسی برگزیده شد تا وقتی قوم اسرائیل به کنار کوه سینا رسیدند، آنها را به عهدی خاص با یهوه هدایت کند.

نقش اصلی داوری از طریق آب، چهارمین رابطه میان این دو مرد است. در پیدایش باب‌های ۶-۹، خدا نوح و خانواده او را با گذراندن آنها از میان سیلی که زمین پر شرارت را از بین برد، رهایی بخشید. و به روش بسیار مشابهی، طبق خروج باب‌های ۱۳-۱۵، موسی با گذر از میان آب‌های دریای سرخ، اسرائیل را از مصر بیرون آورد و پس از آنها همین آب‌ها لشگر مصریان ستمگر را نابود کرد.

در وهله پنجم، خدا بادی را وزانید تا آب‌ها را در روزگار نوح و موسی به جای خود برگرداند. همانطور که خواندیم، بر اساس پیدایش ۸: ۱، خدا بادی را وزانید تا آب‌های توفان نوح را به عقب برگرداند. به طور مشابه، طبق خروج ۱۴: ۲۱، در دریای سرخ هم «خداوند دریا را به باد شرقی شدید... برگردانید.»

ششمین رابطه در تاکید بر حیوانات ظاهر می‌شود. پیدایش ۶: ۱۹ به ما می‌گوید که خدا به نوح فرمود تا حیوانات را به داخل کشتی ببرد. دستکم در چهار موقعیت، کتاب خروج به حیوانات زیادی اشاره می‌کند که همراه اسرائیلیان، مصر را ترک کردند. درست همانطور که خدا مقرر داشت که نوح حیوانات را وارد دنیای جدید روزگار خودش کند، همچنین به موسی فرمود تا حیوانات را وارد سرزمین وعده کند.

هفتم، موضوع یادآوری الهی نیز نوح و موسی را به هم مرتبط می‌کند. به یاد دارید که در پیدایش ۸: ۱، وقتی آب‌ها در روزگار نوح می‌خروشدند، خدا به خاطر نوح وارد عمل شد، چون او را به یاد آورد. خدا با نوح عهد بسته بود که او را به سلامت از میان سیل بگذراند، و آن عهد را به یاد آورد. درست به همین شکل، خدا به موسی اعلام کرد که به خاطر یادآوری عهد خود، اسرائیل را از مصر رها کنید. به آنچه خدا در خروج ۶: ۵ به موسی گفت گوش کنید:

حال ناله بنی اسرائیل را که مصریان ایشان را به بندگی کشیده‌اند، شنیدم و عهد خویش را به یاد آوردم (پیدایش ۶: ۵، هزاره).

یادآوری الهی، نقشی حیاتی در سیل و در خروج ایفا کرد. سرانجام، برکت طبیعت نیز نوح و موسی را با هم مرتبط می‌کند. نوح نسل بشر را وارد دنیای جدیدی کرد که خدا وعده داد نظم طبیعی ماندگار و ثابتی به نفع بشریت بر آن حاکم خواهد بود. به شکل مشابهی، موسی به اسرائیل گفت که در سرزمین وعده، طبیعت درست به همین نحو با ثبات و سودمند خواهد ماند. با در ذهن داشتن این ارتباطات میان نوح و موسی، حالا می‌توانیم مفاهیم ضمنی این موارد مشابه را برای قوم اسرائیل ببینیم. چرا موسی این ارتباطات را ایجاد کرد؟

مفاهیم ضمنی

برای درک مفاهیم ضمنی اصلی این متن، باید به خاطر بیاوریم که قوم اسرائیل شدیداً علیه موسی سرکشی کرده، و قدرت و حکمت برنامه‌ریزی او را در خروج از مصر و پیروزی نهایی زیر سوال برده بودند. این چالش‌های خدمت باعث شد موسی رابطه‌هایی میان خودش و نوح برقرار کند. خدا از نوح در سیل رهایی‌بخش استفاده کرد تا بشریت را از خشونت هولناک جهان آغازین نجات ببخشد و یک بار دیگر نسل بشر را در جهانی تازه و پر از برکات عالی مستقر کند. و درست به همین شکل، خدا موسی را برگزیده بود تا اسرائیل را از خشونت هولناک مصر برهاند و اسرائیل را به جهان تازه سرزمین وعده ببرد. نقشه موسی برای اسرائیل آنچنان به توفان نوح شباهت دارد که کسی نمی‌تواند دست داشتن خدا در آن را انکار کند. پس از بررسی معنای اصلی سیل رهایی‌بخش، لازم است که به گزارش موسی از پسران نوح در پیدایش ۹: ۱۸-۱۰: ۳۲ بپردازیم.

پسران نوح

چرا موسی این مطلب را در تاریخ آغازین خود گنجانید؟ هدف او از جلب توجه اسرائیل نسبت به این موضوعات چه بود؟ برای بررسی این بخش از گزارش موسی، به سه مسئله خواهیم پرداخت: اول، تمرکز خاص موسی به کنعان؛ دوم، موضوع ناسازگاری؛ و سوم، مفاهیم ضمنی این مطالب برای اسرائیل. اول توجه موسی نسبت به کنعان را در نظر بگیرید.

کنعان

به خاطر دارید که وقتی نوح از خواب مستی بیدار شد به یاد آورد که حام حرمت او را زیر پا گذاشته، اما سام و یافث، احترام او را حفظ کرده بودند. کار منطقی این بود که نوح از سر خشم حام را لعنت کند و پسران دیگرش را برکت بدهد. اما چنین اتفاقی نیفتاد. به سخنان نوح در پیدایش ۹: ۲۵-۲۷ گوش کنید:

«کنعان ملعون باد! برداران خود را بنده بندگان باشد.» و گفت: «متبارک باد یهوه خدای سام! و کنعان، بنده او باشد. خدا یافث را وسعت دهد، و در خیمه‌های سام ساکن شود، و کنعان بنده او باشد» (پیدایش ۹: ۲۵-۲۷).

همانطور که در این متن می‌بینیم، سام و یافث به طور معقول برای درستکاری خود پاداش گرفتند، ولی حتی اشاره‌ای به حام در اینجا نشده است. در عوض، کنعان پسر حام بود که مورد لعنت نوح قرار گرفت. وقتی با دقت به این داستان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که نقش حام با برادران او تفاوت دارد. به طور خلاصه، او جدا از اینکه پدر کنعان بود، اهمیت چندانی نداشت. توجه کنید که موسی چگونه در این روایت از حام یاد می‌کند. در ۹: ۱۸ اینطور می‌خوانیم:

و پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند، سام و حام و یافث بودند. و حام پدر کنعان است (پیدایش ۹: ۱۸).

در ۹: ۲۲ نیز هویت او به همین شکل ظاهر می‌شود:

حام، پدر کنعان، برهنگی پدر خود را دید (پیدایش ۹: ۲۲).

از جوانب زیادی، حام در این داستان کمرنگ می‌شود و کنعان پسرش، جای او را در کنار سام و یافث می‌گیرد.

با در نظر داشتن تاکید خاص موسی بر کنعان، می‌توانیم به دومین موضوع مربوط به پسران نوح، یعنی ناسازگاری موجود در نظم جدید پس از توفان پردازیم.

ناسازگاری

موضوع ناسازگاری نقش عمده‌ای در توجه موسی نسبت به پسران نوح دارد. نادیده گرفتن این موضوع به منزله نادیده گرفتن مهم‌ترین جنبه این داستان است. موضوع ناسازگاری در پیدایش ۹: ۲۵-۲۷ هم به چشم می‌خورد:

«کنعان ملعون باد! برادران خود را بنده بندگان باشد.» و گفت: «متبارک باد یهوه خدای سام! و کنعان، بنده او باشد. خدا یافت را وسعت دهد، و در خیمه‌های سام ساکن شود، و کنعان بنده او باشد» (پیدایش ۹: ۲۵-۲۷).

توجه کنید که چگونه موسی با سه بار تکرار لعنت کنعان در این متن، بر قطعیت این ناسازگاری تاکید می‌کند. در آیه ۲۵، او این لعنت را اعلام می‌کند که کنعان «بنده بندگان»، یا پست‌ترین بنده قابل تصور، خواهد بود. در آیه ۲۶، نوح پیش‌گویی کرد که کنعان بنده سام خواهد بود. و در آیه ۲۷، موسی اضافه کرد که کنعان بنده یافت هم خواهد شد. موسی از طریق این تکرار، بر این واقعیت تاکید می‌کرد که کنعان یقیناً مغلوب برادران خود خواهد شد. از این گذشته، توجه به تصویری که این آیات از سام به عنوان پیروز اصلی بر کنعان ارائه می‌کند، حائز اهمیت است. در آیه ۲۷، برگردان بهتر «یافت... در خیمه‌های سام ساکن شود، و کنعان بنده او باشد» این است: «یافت در خیمه‌های سام ساکن شود تا اینکه کنعان بنده او باشد.» گویی طرز فکر نوح این بود که کنعان فقط هنگامی بندگی یافت را خواهد کرد که یافت به سام بپیوندد. در واقع موسی معتقد بود که سام باید در مقهور کردن کنعان نقش رهبری داشته باشد.

پس در این متن می‌بینیم که موسی مشخصه مهمی از نظم نوین پس از سیل را ارائه کرد که بسیار دور از انتظار بود. او می‌دانست که بشریت در آینده درگیر ناسازگاری چشمگیری می‌شد که در آن نوادگان سام، نوادگان کنعان را تحت تسلط خود در خواهند آورد.

در پرتو توجه موسی به کنعان و موضوع ناسازگاری، می‌توانیم مفاهیم ضمنی اصلی پسران نوح را از نظر اسرائیل باستان ببینیم.

مفاهیم ضمنی

چرا موسی این وقایع را در گزارش خود از نظم نوین پس از سیل گنجانید؟ خوب، موسی دلیل خیلی خاصی برای توصیف نظم جدید به این روش داشت. ناسازگاری میان سام و کنعان مستقیماً مربوط به احتیاجات اسرائیلیان مخاطب او می‌شد.

کلید درک هدف موسی در پیدایش ۱۰: ۱۸-۱۹ ظاهر می‌شود. پس از ارائه فهرست بعضی از نوادگان کنعان، موسی اینطور نوشت:

و بعد از آن، قبایل کنعانیان منشعب شدند. و سرحد کنعانیان از صیدون به سمت جرار تا غزه بود، و به سمت سدوم و عموره و آدمه و صبوئیم تا به لاشع (پیدایش ۱۰: ۱۸-۱۹).

این اشارات بسیار مشخص جغرافیایی برای خوانندگان اسرائیلی موسی بسیار آشنا بودند. نوادگان کنعان، یا کنعانیان از شمال تا جنوب در منطقه میان صیدون تا غزه، و همچنین در منطقه سدوم و عموره ساکن شده بودند. موسی مخصوصاً کنعانیانی را مد نظر داشت که در سرزمین وعده سکونت داشتند. قوم اسرائیل به عنوان قوم سام که خدا به طور خاص آنها را فراخوانده بود، باید به داخل این سرزمین کنعانیان وارد می‌شدند و ادعای مالکیت می‌کردند. به این ترتیب می‌بینیم که روایت موسی از پسران نوح فقط برای ارائه گزارشی از گذشته طراحی نشده بود. این طرح به منظور ارائه پیش‌زمینه‌ای برای فراخوانی اسرائیل در حرکت به سوی پیروزی توسط موسی بود، درست همانطوری که خدا در تاریخ آغازین مقرر کرده بود. در نتیجه، اسرائیلیانی که با فراخوان موسی در تسخیر زمین کنعان مخالفت می‌کردند، فقط مخالف موسی نبودند. آنها در واقع در برابر نقشه خدا مقاومت می‌کردند، یعنی همان نظمی که خدا برای جهان پس از سیل برقرار کرده بود.

پس از بررسی اینکه روایات توفان و پسران نوح چگونه در زندگی خوانندگان اصلی اسرائیلی کاربرد داشت، لازم است که به موضوع سوم بپردازیم، یعنی: قصد اصلی موسی از نگارش شکست بابل در پیدایش ۱۱: ۱-۹.

شکست بابل

برای درک کاربردی که موسی از داستان شکست بابل در زندگی اسرائیلیان مد نظر داشت، به سه موضوع در این متن نگاهی می‌اندازیم: اول، توصیف موسی از این شهر. دوم، توصیف او از پیروزی یهوه. و سوم، مفاهیم ضمنی برای اسرائیلیانی که در حال حرکت به سوی سرزمین وعده بودند. بیایید ابتدا به توصیف این شهر بپردازیم.

شهر

باید توجه کنیم بابل، نام این شهر، مربوط به شهری است که بعدها به همین نام (Babylon) مشهور شد. از زمان موسی، شهر بابل در خاور نزدیک باستان بسیار معروف بود. این شهر سال‌های زیادی مرکز تمدن بود و شهرتی افسانه‌ای داشت. بنابراین، وقتی موسی پس از سیل درباره مکانی به نام بابل می‌نوشت، خوانندگان اسرائیلی او بی‌درنگ آن را به عنوان منشاء تاریخ آغازین و مرکز مدنی بزرگی می‌شناختند.

پیروزی

دومین جنبه مهم از پیدایش ۱۱: ۱-۹، روشی است که موسی پیروزی یهوه را بر این شهر باستانی عظیم توصیف کرد. در چند قسمت از این داستان، موسی عظمت پیروزی خدا را توسط تضاد میان دیدگاه‌های ساکنان بابل با دیدگاه حقیقی خود نشان داد. مثلاً روش موسی درباره موضوع پراکندگی، یا به زبان عبری، فعل «پوتس» (puts) را در نظر بگیرید. از یک سو ساکنان بابل عمیقاً نگران پراکنده شدن بودند. در ۱۱: ۴ می‌بینیم که آنها شهر را ساختند تا «مبادا بر روی تمام زمین پراکنده [شوند].»

اما موسی در مقابل، دو بار گزارش داد که خدا دقیقاً همان کاری را کرد که مردم بابل نمی‌خواستند اتفاق بیفتد. در ۱۱: ۸ اینطور می‌خوانیم:

خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت (پیدایش ۱۱: ۸).

و یک بار دیگر در ۱۱: ۹ می‌بینیم که:

خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده نمود (پیدایش ۱۱: ۹).

اصطلاح «پراکنده شدن» در عهد عتیق، غالباً مفهوم منفی شکست کامل در جنگ را دارد. سربازان شکست‌خورده پراکنده می‌شوند و دشمنان‌شان به دنبال آنها می‌روند، تا در حین فرار آنها را بکشند. و همین مفهوم در این داستان هم دیده می‌شود. موسی این داستان را به عنوان روایتی از پیروزی شکوهمند یهوه حکایت کرد. یهوه لشگر آسمانی خود را علیه شهر بابل فراخواند تا ساکنان متواری آن را بر روی تمام زمین دنبال کنند.

تقابل دیگر میان دیدگاه موسی و ساکنان بابل، اندازه شهر و برج آن بود. بر اساس پیدایش ۱۱: ۴، ساکنان بابل می‌خواستند آن برج به آسمان‌ها برسد، یعنی جایی که خدایان‌شان در آن بودند. اما موسی این تفکر را به تمسخر گرفت. متقابلاً او در پیدایش ۱۱: ۵ اینطور نوشت:

خداوند نزول نمود تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می‌کردند، ملاحظه نماید (پیدایش ۱۱: ۵).

کلمه عبری «یارآد» (yared) که در اینجا «نزول نمود» ترجمه شده است، مفهوم ضمنی خاصی در این داستان دارد. خدا صرفاً متوجه آن شهر نشد، حتی صرفاً وارد آن شهر هم نشد. در عوض، در حالیکه ساکنان بابل می‌خواستند برجی بسازند که به آسمان‌ها برسد، موسی پافشاری می‌کند که یهوه بایستی از اوج آسمان نزول می‌کرد تا بتواند آن شهر را ببیند. پس می‌بینیم که موسی ادعای ساکنان بابل را به تمسخر گرفت. از دید یهوه، این شهر فقط کمی بزرگتر از یک نقطه کوچک بود.

نهایتاً باید توجه کنیم که چگونه موسی از شکست بابل هم برای تمسخر این شهر تاریخی استفاده کرد. ساکنان شهر آن را بابل می‌خواندند. در زبان بین‌النهرین، «بابل» به معنی «دروازه خدا» است. این نام نشان می‌داد که آنها واقعا معتقد بودند زیگورات آنها واقعا دروازه‌ای به سوی خدایان را تشکیل می‌دهد، و به این وسیله توسط قدرت‌های آسمان حفظ می‌شوند.

اما موسی دیدگاه متفاوتی نسبت به نام آن شهر داشت. از آنجایی که یهوه به شدت بابل را شکست داد، آن شهر به روشنی دروازه‌ای به سوی خدا نبود. پس معنی آن اسم چه بود؟ پاسخ کاملاً طعنه‌آمیز موسی را در پیدایش ۱۱: ۹ می‌بینیم:

از آن سبب آنجا را بابل نامیدند، زیرا که در آنجا خداوند لغت تمامی اهل جهان را مشوش ساخت (پیدایش ۱۱: ۹).

برای درک طعنه موسی در این آیه باید بدانیم که او چگونه با کلمات هم قافیه عبری بازی کرد. او اول می‌گوید: «از آن سبب آنجا را بابل نامیدند.» کلمه عبری بابل همان «بابل» (Babel) است درست همانطور که ساکنان بین‌النهرین آن را تلفظ می‌کردند. اما بعد موسی توضیح می‌دهد که نامگذاری شهر به این دلیل بود که در آنجا خداوند زبان اهل جهان را مشوش ساخت. کلمه عبری که در اینجا «مشوش ساختن» ترجمه شده، «بالال» (balal) است که به خاطر هم قافیه بودن با «بابل» در زبان عبری، طعنه موسی را کارگر می‌ساخت. او با ذکر اینکه دلیل اصلی نامگذاری بابل، تشویش زبان یا «بالال» در آنجا بود، آن شهر را مورد حمله قرار داد. پس از دیدگاه

موسی، نام «بابل» برای آن مکان مناسب داشت، نه به این دلیل که دروازه خدا بود، بلکه چون مکان تشویش و اغتشاش برای تمام جهان بود. موسی از طریق این کنایه، شهرت و محبوبیتی که بابل در روزگار او داشت را از آن می‌گرفت. او با تعریف پیروزی یهوه خدای اسرائیلیان که عظیم‌ترین مهد تمدن تاریخ آغازین را به سخره گرفت، آنها را به خنده وا می‌داشت.

پس از بررسی توصیف شهر بابل و پیروزی یهوه، اکنون می‌توانیم به مفاهیم ضمنی این داستان برای قوم اسرائیل بپردازیم که در حال حرکت به سوی سرزمین وعده بودند.

مفاهیم ضمنی

همانطور که می‌دانیم، موسی در قادیس برنیه، جاسوسانی را به زمین کنعان فرستاد که با اخبار بدی برگشتند. آنها ادعا کردند که اسرائیل به خاطر توانمندی نیروهای کنعان، توانایی تسخیر آن سرزمین را نداشت. در نتیجه اسرائیلیان از غلبه بر آن سرزمین رویگردان شدند و چهل سال پسین را در بیابان سرگردان بودند. تنها وقتی نسل بعدی به بزرگسالی رسیدند، موسی توانست یک بار دیگر اسرائیل را به جنگ با کنعان ببرد. یک جنبه از این اخبار بد به ما کمک می‌کند تا به اهمیت شکست بابل باستانی پی ببریم. به آنچه جاسوسان درباره شهرهای کنعان در تثنیه ۱: ۲۸ گفتند، گوش کنید:

این قوم از ما بزرگتر و بلندترند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصاردار است (تثنیه ۱: ۲۸).

متأسفانه اکثر ترجمه‌های امروزی از این آیه از ترسیم رابطه میان این توصیف از شهرهای کنعان و برج بابل قاصرند. وقتی جاسوسان درباره «تا آسمان حصاردار» بودن شهرها صحبت می‌کنند، کلمه «شاماییم» (shamayim) عبری را به کار می‌برند که اغلب «آسمان» ترجمه می‌شود. در واقع، همین کلمه در پیدایش ۱۱: ۴ برای توصیف برج بابل به عنوان «برجی... که سرش به آسمان برسد» به کار رفته است. در هر دو مورد، مفهوم اصلی، شکست‌ناپذیری آن شهرها به خاطر سر به فلک کشیدنشان بود.

به این ترتیب موسی رابطه‌ای میان شهر باستانی بابل و شهرهای کنعان ایجاد می‌کند. اسرائیلیان گمان می‌کردند که حصارهای اطراف شهرهای کنعان سر به فلک کشیده‌اند، درست همانطور که از نظر سازندگان برج بابل، زیگورات آنها سر به فلک کشیده است. این ارتباط میان شهر بابل و شهرهای کنعان، هدف موسی را روشن می‌کند. به زبان ساده، از نظر قوم اسرائیل شاید شهرهای کنعان به آسمان می‌رسیدند، اما آن شهرها در برابر قدرت یهوه بسیار ناچیز بودند. در روزگار باستان، یهوه علیه بزرگترین شهری که بشر می‌شناخت و گفته می‌شد برج آن سر

به فلک کشیده، قد علم کرد. اما یهوه این شهر باستانی را که عظیم‌تر از همه شهرهای کنعان بود، به راحتی از بین بُرد.

درست همانطور که خدا نسل بشر را از میان سیل باستانی رها کرد و نظمی نوین به وجود آورد، اسرائیل را نیز از مصر رها کرده بود. و درست همانطور که خدا میان سام و کنعان ناسازگاری مقرر کرد، موسی هم اسرائیل را به سرزمین کنعانیان هدایت کرد. و درست همانطور که خدا شهر عظیم بابل را شکست داد، به زودی اسرائیل را در برابر شهرهای کنعان پیروزی می‌بخشید. قوم اسرائیل از این باب‌های مربوط به تاریخ آغازین، باید درک می‌کردند که پیروی از موسی به سوی سرزمین وعده در واقع حرکت در مسیر درست بود.

تا اینجا ساختار ادبی و معنای اصلی گزارش موسی در پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹ را مشاهده کردیم. اکنون آماده‌ایم تا سوال سوم را بپرسیم: امروز چگونه باید این مطالب را در زندگی‌مان به کار ببریم؟

کاربرد امروزی

به روش همیشگی‌مان در پاسخ به کاربرد امروزی این مطلب، توصیف عهد جدید از سه مرحله پادشاهی مسیح را دنبال خواهیم کرد. ابتدا خواهیم دید که چگونه سیل رهایی و نظم نوین ناشی از آن در تاسیس پادشاهی خدا در اولین آمدن مسیح به کار می‌آید. سپس به رابطه این موارد با تداوم پادشاهی خدا در سرتاسر تاریخ کلیسا می‌پردازیم. و سرانجام خواهیم دید که چگونه عهد جدید این بخش از تاریخ باستان را در کمال پادشاهی خدا هنگام بازگشت پرجلال مسیح، به کار می‌گیرد.

به این روش با رسیدن به باب‌های نهایی تاریخ آغازین موسی، خواهیم دید که عهد جدید هدف اولیه موسی برای اسرائیل را در سه مرحله پادشاهی مسیح، یعنی کار او در گذشته، حال و آینده بسط می‌دهد. بیایید ابتدا به دیدگاه‌های عهد جدید به این مطالب در پرتو آمدن اول مسیح نگاهی بیندازیم.

تاسیس

مسیح در تاسیس پادشاهی خویش، نجات عظیمی به قوم خود بخشید که با مضامین مورد تاکید موسی در پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹ هم‌خوانی دارد. می‌توانیم این ارتباطات را دست‌کم به دو طریق مشاهده کنیم: عهدی که مسیح واسطه آن بود، و پیروزی‌ای که به انجام رسانید.

عهد

از یک سو مسیح به واسطه عهدی که قوم او را از داوری خدا نجات می‌بخشید، آنان را رهایی داد. همانطور که دیدیم، نوح نقش مخصوصی به عنوان واسطه یک عهد داشت، و موسی در تشریح خدمت خود به اسرائیل، به

این واقعیت اشاره کرد. به همین شکل، عهد جدید تعلیم می‌دهد که مسیح رهانده ماست چون وقتی به زمین آمد، واسطه عهد جدیدی شد.

بسیاری اوقات مسیحیان نمی‌توانند تشخیص بدهند که مسیح هنگامی به این جهان آمد که قوم خدا تحت محکومیت الهی قرار داشتند. چون که اسرائیل آشکارا و بی‌محابا عهدهای عهد عتیق را در ۵۸۶ ق.م. زیر پا گذاشت، بابلی‌ها اورشلیم را ویران کردند و مردم اسرائیل دیگر هرگز نتوانستند از زیر سلطه خارجیان بیرون بیایند. اما ارمیای نبی پیش‌گویی کرد که خدا با برقراری عهدی تازه در آینده، قومش را از آتش تبعید رهایی خواهد بخشید. در ارمیا ۳۱: ۳۱ نبی خدا چنین اعلام کرد:

اینک خداوند می‌گوید: «ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهم بست» (ارمیا ۳۱: ۳۱).

همانطور که اغلب مسیحیان می‌دانند، عهد جدید می‌آموزد که عیسی به عنوان واسطه این عهد تازه به این جهان آمد. عیسی شخصا این نقش را در هنگام صحبت با شاگردانش در شام آخر، به رسمیت شناخت. در لوقا ۲۲: ۲۰ می‌خوانیم که او گفت:

این پیمانه عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می‌شود (لوقا ۲۲: ۲۰).

پس می‌بینیم همانطور که نوح به عنوان واسطه عهدی الهی، مردم را از داوری رهایی داد، در تاسیس پادشاهی خدا هم عیسی به خاطر واسطه شدن در عهد جدید از طریق خون خود که بر صلیب ریخت، کسانی را که به او ایمان آوردند، از داوری و محکومیت رهایی بخشید.

پیروزی

خدمت عیسی بر زمین علاوه بر عهدی جدید، مفهوم پیروزی در جنگ روحانی را هم تحقق بخشید. موسی مطلب جنگ روحانی را به عنوان بخشی از نظم نوین پس از سیل مورد توجه قرار داد. او تاکید کرد که نظم نوین جهان مستلزم آن است که اسرائیل به سوی تسخیر کنعان پیش برود و به آنها اطمینان پیروزی عظیمی را داد. در مقایسه، به آنچه پولس به عنوان پیروزی مسیح در تاسیس پادشاهی خود در کولسیان ۲: ۱۵ توصیف کرد، گوش کنید:

و ریاست‌ها و قدرت‌ها را خلع سلاح کرده، در نظر همگان رسوا ساخت و به وسیله صلیب بر آن پیروز شد (کولسیان ۲: ۱۵، هزاره).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، پیروزی عیسی در آمدن نخست او نه سیاسی، بلکه روحانی بود. مرگ و قیام عیسی راهگشای شکست قدرت‌های شرارت و ریاست‌های روحانی‌ای بود که در روزگار او بر جهان حکمرانی می‌کردند. کار نجات‌بخش او آنها را در نظر عموم رسوا کرد؛ درست همانطور که یهوه شهر باستانی بابل، و بعد از آن شهرهای بزرگ کنعان را رسوا کرده بود.

در این معنا، عیسی نه تنها از طریق عهد تازه خود رهایی را به ارمغان آورد، بلکه به واسطه مرگ و قیام خود بر نیروهای روحانی تاریکی نیز پیروزی یافت. پیروان مسیح به خدمت زمینی او به عنوان شروع پیروزی نهایی نگاه می‌کنند که مدت‌ها قبل در کتاب پیدایش وعده داده شده بود.

همانطور که انتظار می‌رود، عهد جدید فقط مطالب پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹ را با نخستین آمدن مسیح مرتبط نمی‌کند. این مطالب در تداوم آن پادشاهی در زمان کنونی که ما زندگی می‌کنیم نیز کاربرد دارند.

تداوم

عهد جدید دست‌کم به دو طریق زمان بین آمدن اولیه و ثانوی مسیح را در رابطه با باب‌های آخر تاریخ آغازین موسی تشریح می‌کند. این دیدگاه‌ها مستقیماً به اهمیت تعمیر و جنگ روحانی در زندگی مسیحی ارتباط دارد. ما در زندگی مسیحی‌مان در این عصر با مفاهیم مهم توفان نوح و نظم نوین پس از توفان ارتباط ایجاد می‌کنیم.

تعمیر

یک متن عهد جدید به طور خاص تعمیر را در رابطه با سیل رهایی‌بخش زمان نوح تشریح می‌کند. به آنچه پطرس رسول در اول پطرس ۳: ۲۰-۲۲ نوشته گوش کنید:

خدا در روزگار نوح که کشتی ساخته می‌شد، با شکیبایی انتظار می‌کشید. در آن کشتی تنها شماری اندک، یعنی هشت تن، به واسطه آب نجات یافتند. و آن آب نمونه تعمیدی است که اکنون نیز شما را نجات می‌بخشد، تعمیدی که نه زدودن آلودگی تن، بلکه تعهد وجدانی پاک است به خدا. این تعمیر به واسطه رستاخیز عیسی مسیح شما را نجات می‌بخشد، همان که به آسمان رفت و اینک به دست راست خداست و فرشتگان و ریاست‌ها و قدرت‌ها مطیعش گشته‌اند (اول پطرس ۳: ۲۰-۲۲، هزاره).

در این متن قابل توجه، پطرس مستقیماً تجربه همه افراد از نجات را در حین تداوم پادشاهی خدا با سیل زمان نوح مرتبط می‌کند. او ابتدا می‌گوید نوح و خانواده‌اش به واسطه آب نجات یافتند. رهایی آنها به واسطه آب راه را برای بشریت باز کرد تا وارد جهان احیا شده و مبارکی شود.

اما به این نکته هم توجه کنید که پطرس رابطه مستقیمی بین آب سیل نوح و تمرکز بر تعمید در زندگی مسیحی ترسیم کرده است. به گفته او آب در روزگار نوح نماد یا پیش‌درآمدی بر آب تعمید مسیحی بود. همانطور که در این درس دیدیم، آب در روزگار نوح جهان را از فساد هولناک پاک کرد و راهی برای شروعی تازه باز کرد، درست همانطور که گذر موسی از میان دریای سرخ، ظلم و ستم مصر را از میان برداشت و شروعی تازه برای قوم اسرائیل به ارمغان آورد. به همین طریق، آب تعمید ایمانداران را از گناهان‌شان پاک می‌کند و شروعی تازه را در زندگی جاودانی در مسیح به آنان می‌بخشد.

لازم است به دقت توجه کنیم که اول پطرس ۳: ۲۱ اظهار می‌کند که تعمید فقط از این نظر نجات می‌بخشد که تعهد وجدانی پاک نسبت به خداست. به گفته دیگر، فقط شستشو با آب در تعمید کسی را نجات نمی‌دهد. بلکه فقط تعمید به واسطه ایمان به مسیح، که متضمن تعهد قلبی بخشیده و پاک شده از گناه باشد، نماد نجات است. بنابراین عهد جدید سیل رهایی‌بخش زمان نوح را در تداوم پادشاهی خدا به کار می‌برد، با این تاکید که هرگاه کسی با ایمان به نجات مسیح به آن رو می‌آورد، از طریق آب پاک‌کننده تعمید وارد حیاتی جدید می‌شود، درست همانطور که نوح از طریق توفان به جهانی تازه راه یافت.

جنگ روحانی

همانطور که دیدیم، تاریخ آغازین موسی نشان می‌داد که آب در روزگار نوح بشریت را به جنگی روحانی وارد کرد. موسی در اصل توجه خوانندگان را به این واقعیت جلب می‌کرد تا اسرائیل را تشویق به همنوایی با این نظم نوین و حرکت به سوی تسخیر کنعان کند. به همین شکل، عهد جدید با به‌کارگیری تعلیم موسی در تداوم پادشاهی خدا، رویارویی هر فرد ایماندار با جنگ روحانی را شرح می‌دهد. به آنچه پولس در این مورد در افسسیان ۶: ۱۱-۱۲ می‌گوید، گوش کنید:

اسلحه تمام خدا را بپوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید. زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها و جهان‌داران این ظلمت و با فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی (افسسیان ۶: ۱۱-۱۲).

این متن و سایر متون عهد جدید به بیانی ساده تعلیم می‌دهند که مسیحیان امروز درگیر جنگ با شر هستند. متأسفانه بسیاری از مسیحیان امروزی از پذیرش این بُعد زندگی روحانی‌شان غافل می‌شوند، درست مانند اسرائیلیان پیرو موسی که می‌کوشیدند تسخیر کنعان را نادیده بگیرند. اما دیدگاه عهد جدید روشن است. ما باید در این جنگ روحانی شرکت کنیم. همانطور که پولس در افسسیان ۶: ۱۳ می‌گوید:

پس اسلحهٔ کامل خدا را بر تن کنید، تا در روز شر شما را یارای ایستادگی باشد، و بتوانید پس از انجام همه چیز، بایستید (افسسیان ۶: ۱۳، هزاره).

اگر اسلحهٔ خدا را بر تن کنیم، در جنگ روحانی‌مان پیروز خواهیم بود. پس می‌بینیم همانطور که عهد جدید رهایی‌بخشی سیل نوح را با رهایی ما توسط تعمید مرتبط می‌شمارد، همچنین تعلیم می‌دهد که درست مانند جهان باستان که وارد یک جنگ شد، تعمید مسیحی هم ما را در هر یک از روزهای عمرمان درگیر جنگی روحانی می‌کند.

تکمیل

با توجه به کاربرد عهد جدید از باب‌های پسین تاریخ آغازین در تاسیس و تداوم پادشاهی خدا، تعجبی ندارد که دریابیم تکمیل پادشاهی خدا هم در ارتباط با توفان نوح و جنگ مربوط به نظم نوین باستان، توصیف شده است.

خشونت نهایی

نویسندگان عهد جدید با توصیف بازگشت پرجلال مسیح به عنوان خشونت نهایی و جنگ نهایی، این ارتباط را توصیف کرده‌اند. در دوم پطرس باب ۳ رابطهٔ صریح میان سیل باستانی نوح با بازگشت پرجلال مسیح را مشاهده می‌کنیم. به آنچه پطرس در ابتدای بحث خود در آیات ۳-۶ می‌گوید، گوش کنید:

قبل از هر چیز، بدانید که در ایام آخر استهزاکنندگانی ظهور خواهند کرد که پیرو امیال پلید خود خواهند بود و استهزاکنان خواهند گفت: «پس چه شد وعدهٔ آمدن او؟ از زمانی که پدران ما به خواب رفتند، همه چیز همان‌گونه است که از بدو آفرینش بود!» بدین‌سان، آنان به عمد بر این حقیقت چشم می‌پوشند که به کلام خدا آسمان‌ها از قدیم بود و زمین از آب و به‌وسیلهٔ آب شکل گرفت: و به وسیلهٔ همین آب، دنیای آن زمان غرق و نابود شد (دوم پطرس ۳: ۳-۶، هزاره).

در این متن پطرس گفته تمسخرکنندگانی را که با اشاره به یکپارچگی نظم طبیعت استدلال می‌آوردند که عیسی باز نخواهد گشت، تصحیح کرد. آنها معتقد بودند که از زمان آفرینش، همه چیز یکپارچه باقی مانده است. هرگز چیزی باعث از هم‌گسستگی جهان از شکل ابتدایی‌ای که خدا آن را آفرید، نشده بود. به باور آنها در آینده هم چیزی مانند گذشته تغییر نمی‌کرد.

اما پطرس با توسل به گزارش موسی از توفان نوح خلاف این موضوع را ثابت کرد. خدا جهان را در ابتدا از آب آفرید، اما در روزگار نوح، جهان به واسطه سیلاب از بین رفت. یک تحول عمده در تاریخ جهان رخ داد. خدا در روزگار نوح مداخله کرد و جهان را از بین برد. اما به نتیجه‌گیری پطرس در دوم پطرس ۳: ۷ گوش کنید:

لکن آسمان و زمین الان به همان کلام برای آتش ذخیره شده و تا روز داوری و هلاکت، مردم بی‌دین نگاه داشته شده‌اند (دوم پطرس ۳: ۷).

به زبان ساده، بحث پطرس این بود که درست همانطور که جهان اولیه از طریق سیل از بین رفته بود، آسمان‌ها و زمین حاضر هم در وقت بازگشت مسیح برای داوری از بین خواهند رفت. مطمئناً این بار، داوری به واسطه آتش خواهد آمد نه به وسیله آب، اما می‌توانیم مطمئن باشیم که وقتی خدا برای آخرین بار تصمیم به عمل علیه گناه موجود در جهان بگیرد، از طریق یک ویرانی عظیم جهانی درست مانند سیل اولیه، این کار را خواهد کرد. به این ترتیب عهد جدید به ما تعلیم می‌دهد بازگشت مسیح را همتای توفان نوح بدانیم. در روزگار نوح، شروران توسط تحول جهانی عظیمی داوری و از روی زمین محو شدند. وقتی مسیح در جلال برگردد، تحولی عظیم‌تر رخ خواهد داد به نحوی که جهانی که می‌شناسیم کاملاً از هم خواهد گسیخت. شروران از روی زمین محو می‌شوند و همه پیروان مسیح وارد آسمان‌ها و زمین جدید ابدی و پرشکوهی خواهند شد.

نبرد نهایی

همانطور که دیدیم در تاریخ آغازین، توفان نوح با کشمکش و جنگ میان قوم خدا و دشمنان خدا همراه بود. در راستای همین موضوع، عهد جدید هم بازگشت مسیح را به عنوان یک نبرد نهایی جهانی توصیف می‌کند. به آنچه یوحنا رسول درباره بازگشت مسیح در مکاشفه ۱۹: ۱۱-۱۶ می‌گوید، گوش کنید:

و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید، و چشمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ‌کس آن را نمی‌داند. و جامه‌ای خون‌آلود در بر دارد و نام او را کلمه خدا می‌خوانند. و لشگرهایی که در آسمانند، بر اسب‌های سفید و به

کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می‌آمدند. و از دهانش شمشری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود. و او چرخشت خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می‌افشرد. و بر لبان و ران او نامی مرقوم است، یعنی پادشاه پادشاهان و رب‌الارباب (مکاشفه ۱۹: ۱۱-۱۶).

یوحنا با بیانی گوش‌نواز از مکاشفه‌اش، اعلام کرد که بازگشت مسیح همراه با نبرد جهانی‌ای خواهد بود که مسیح شخصا در آن ظاهر می‌شود و همه دشمنان خود را از بین خواهد برد. جلال و شکوه پیروزی ابدی نصیب کسانی خواهد شد که برای نجات به مسیح اعتماد کرده‌اند، اما داوری و نابودی شامل حال کسانی می‌شود که او را نپذیرفته‌اند.

پس می‌بینیم که عهد جدید کمال پادشاهی مسیح را به عنوان تجربه نهایی پیروزی خدا بر شر معرفی می‌کند. وقتی مسیح در جلال بر می‌گردد، این هدف الاهی کاملا شناخته خواهد شد. شروران نابود خواهند شد و قوم خدا در مسیح از پیروزی و آرامش جاودانی در آسمان جدید و زمین جدید بهره‌مند خواهند گردید.

نتیجه‌گیری

در این درس پیدایش ۶: ۹-۱۱: ۹ را بررسی کردیم. موسی در این بخش از کلام خدا، مسیر درست را به قوم اسرائیل، که به دنبال او به سرزمین وعده می‌رفتند، آشکارا نشان داد. ساختار ادبی این باب‌ها را دیدیم و اینکه چگونه موسی آنها را طراحی کرد تا اسرائیل را تشویق به حرکت مطمئن به سوی تسخیر کنعان کند. همچنین دیدیم چگونه عهد جدید این مطالب را در سه مرحله پادشاهی مسیح به کار می‌گیرد.

ما هم در رویارویی با کشمکش‌ها و چالش‌های زندگی برای مسیح در این جهان سقوط کرده، باید قلبا پذیرای پیامی باشیم که موسی مدت‌ها پیش به قوم اسرائیل داد. خدا در مسیح ما را از ظلم و جور گناه‌رهای بخشیده، درست همانطور که جهان آغازین را از طریق نوح رهایی داد. ولی او ما را در مسیری قرار داده که مستلزم مقابله با کشمکش‌ها و ناسازگاری‌هاست؛ تا وقتی که انتظارمان برای روزی که مسیح پیروزی نهایی را برای قوم خود به ارمغان می‌آورد، به انجام رسد. تا آن زمان می‌دانیم که جهانی که در آن زندگی می‌کنیم هنوز کامل و بی‌عیب نیست، اما مطمئنا پیروی از مسیح در نبرد روحانی او برای این جهان، در مسیر درست به پیش می‌رود.